

# مداخلات اپورتونیستی مازیار رازی با اسم مستعار سیروس دانشور در فیسبوک<sup>۱</sup> یاشار آذری



» [Sirus Daneshfar](#)

رفیق یاشار آذری با درود به شما

من و رفقا در ایران شما را از قبل از طریق گرایش مارکسیست ها انقلابی می شناختیم و شاهد بودیم که آثار کلاسیک را باز تایپ و تکثیر کرده اید و در اختیار جنبش قرار داده اید. از این بابت همگی از شما سپاسگزاریم. دستتان درد نکند. ولی رفیق یاشار بحث های شما در این صفحه کمی ما را سردرگم کرده است. شاید برای بیرون آمدن از این سردرگمی من، و رفقای که مایل به شرکت در این بحث هستند ولی فعلا دسترسی به اینترنت ندارند، تصمیم گرفتیم سوالاتی از شما بپرسیم. امیدواریم که پاسخ های شما ما را از سردرگمی بیرون بیاورد.

شما همراه با ۳ نفر دیگر از رفقای محترم سندی هفته پیش در این صفحه گذاشتید. در آن ذکر کردید که "به علت پاره ای از اختلافات برنامه ای و عمدتاً

---

<sup>۱</sup> - برگرفته شده از کتاب «دلایل شکل گیری کمیسیون مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری»

اختلافات تشکیلاتی که استراتژی بوروکراتیک استالینیستی را بر اهداف و اصول گرایش مارکسیست های انقلابی ایران غالب نموده از «گرایش» بیرون آمده ایم. ” (اطلاعیه انشعاب)،

از آنجا که اعلام کرده بودید که به زودی توضیحات این انشعاب را خواهید ما هم منتظر آن شدیم تا بالاخره دیروز سندی تحت عنوان "اعلام موجودیت" انتشار دادید.

راستش هر چه بیش تر این سند را خواندیم بیش تر به سردرگمی مان اضافه شد و تناقضات متعددی را در سند اول و سند دوم دیدیم که من از طرف رفقا دیگر این ها را یک به یک در زیر از شما سوال می کنم

#### سوال یکم

شما اعلام کردید که از گرایش مارکسیست های انقلابی "انشعاب" کرده اید. بنا بر تعریف رایج انشعاب عینی بیرون آمدن جمعی اعضای یک گرایش (یا سازمان) از آن گرایش. سوال اول این است اگر به گفته خودتان شما ۹ ماه پیش از گرایش بیرون آمده اید (بهر علت موجه یا غیر موجه ای که بعدا لطفا در مورد آن حتما توضیحات بیش تری خواهید داد)، چطور ممکن است ۹ ماه پس از آن اعلام انشعاب می کنید؟ مگر شما عضو گرایش بوده اید که از آن انشعاب کرده باشید؟ و یا مگر بقیه رفقای محترم همه تا قبل از انتشار اطلاعیه انشعاب عضو گرایش بوده اند؟ توضیحات شما حتما ما را از این سردرگمی بیرون خواهد آورد.

سئوال بیست و هفتم کمیسیون: رفیق یاشار آنری از آن جایی که شما در فیسبوک خود به سئوالات پاسخ نداده اید، آیا مایل هستید که حالا به یکایک سئوالات خود مهم تشخیص می دهید، جواب دهید؟

رفیق یاشار آنری: بله حتماً. من هم جواب ها را گذاشته بودم تا در اینجا مطرح شود. پس من یک به یک به سئوالاتی که به این کمیسیون مربوط می شود را حالا پاسخ خواهم داد.

جناب مازیار رازی زیر پوشش سپروس دانشفر، اولاً این «تعریف رایج انشعاب» را شما از کجا به دست آورده اید؟ دوماً من به تنهایی انشعاب نکرده ام که شما صرفاً با خطاب قرار دادن من، سعی در به حاشیه کشاندن دیگر رفقای این کمیسیون کرده اید. سوماً در جلسات احیای مارکسیستی حضور و شرکت فعال در امور عملی آن به همراه تمام اعضای «گرایش» داشتن، اما تنها در جلسات تشکیلاتی گرایش مارکسیست های انقلابی به عنوان اعتراض شرکت نکردن، استعفا محسوب می شود؟ اگر من ۹ ماه پیش تر از انشعاب از «گرایش» بیرون آمده بودم و با «گرایش» قطع رابطه کرده بودم. پس شما چرا در سمینار ۲۰۱۴ احیای مارکسیستی از من خواستید که دو باره به «گرایش» بازگردم؟ همین امر دلیل بر این است که من رابطه ی خودم را با شما قطع نکرده بودم و هنوز با تمام رفقای «گرایش» در ظرف دیگری به نام «احیا» همکاری خودم را ادامه می دادم. چهارم، ما در حالی که هنوز امیدوار بودیم، سعی کردیم با ساختن «کمیسیون مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری» مسائل خود با «گرایش» را از طریق اصولی و بحث های سازنده در «احیا» حل کنیم تا شاید بعد از آن می شد انحراف «گرایش» را رفیقانه تر

مورد انتقاد قرار داد. پس این کمیسیون پیش از انشعاب شکل گرفته بود و در آن زمان اعضای «کمیسیون» هنوز فکر انشعاب در سر نداشتند چون در این رابطه هنوز بحثی صورت نگرفته بود. همه امیدوار بودند که مسائل را با رهبری «گرایش» یا «احیا» حل کنند. برخورد ناسالم و تخریب بحث رفقا توسط بقیه اعضا و به ویژه شورای دبیری (یا رهبری) «گرایش» در دو جلسه آخر در «احیا» آن‌ها را به بحث‌های جدید کشاند که پیش از آن هرگز به فکرشان خطور نکرده بود و بالاخره، در یک انشعاب چگونگی، زمان و دلایل آن فقط و فقط به انشعاب کنندگان مربوط بوده و مطلقاً به تشکیلاتی که از آن انشعاب می‌کنند، ربطی ندارد. آن تشکیلات در هیچ امری مطلقاً حق دخالت ندارد. مسیر، زمان و شرایط انشعاب کنندگان فقط فقط به خودشان مربوط می‌شود و آن‌ها هستند که با صلاحدید خود تصمیم می‌گیرند. ششم، چون ما هنوز امیدوارم بودیم بتوانیم به «گرایش» برگردیم، بود که تصمیم گرفتیم در «احیاء» باقی بمانیم و مسائلمان را در این ظرف حل کنیم. اما زمانی که ما در بحث‌هایمان در «احیاء» به نتیجه نرسیدیم - یعنی اعضای رهبری «گرایش» به جای جواب به ما سعی در مخدوش کردن اصل موضوع نموده و سپس مخفیانه اطاق دیگری برای خود ساختند و در واقع ما را در این اطاق «احیاء» محبوس کردند. بود که رهبری «گرایش» عملاً ما را حذف کرد. حتی در این حالت هم ما باز در جلسه جداگانه‌ای با مازیار رازی و مراد شیرین شرکت کردیم تا بحث‌هایمان را با رهبری مطرح کنیم و امیدوار بودیم که رهبری از شنیدن مسائل ما استقبال کند، اما همان پیش‌تر نشان دادیم، مازیار رازی در آن جلسه خصوصی، پیش از هر بحث، گفت برای شنیدن مسائل ما نیامده، بلکه مقصودش شرکت در این جلسه، این بوده که سه پیشنهاد ادامه همکاری در

«گرایش» و «احیاء» به ما بدهد. اینجا بود ما به این نتیجه رسیدیم که بحث کردن دیگر بی فایده است. پس از شرکت در این جلسه بود که مصمم شدیم که از «گرایش» انشعاب کنیم. پس ما عملاً پس از نشست بی نتیجه با رهبری این گرایش بود که انشعاب کردیم. لذا ما از مشکل آقای دانشفر در اینجا سر در نمی‌آوریم.

سوال دوم مازیار رازی با اسم مستعار سیروس دانشفر شما در سند اول می‌فرمائید "به علت پاره ای از اختلافات برنامه ای" انشعاب کرده اید. در سند دوم ما هر چه گشتیم این اختلافات برنامه ای را پیدا نکردیم. درست برعکس شما همواره اعلام کرده اید که با گرایش هیچ اختلاف برنامه ای نداشتید. این تناقض را چگونه پاسخ می‌دهید؟

سؤال بیست و هشتم کمیسیون: رفیق یاشار در رابطه با اختلاف برنامه هم سؤال شده است. در این باره چه نظری دارید؟

رفیق یاشار آذری: جناب دانشفر یا مازیار رازی، منظور از اختلاف برنامه در این مرحله همان مولفه ی پنجم «احیاء» بود که به ساختن این کمیسیون منجر شد. اما در باره برنامه تشکیلاتی حزب پیشتاز انقلابی ما در آن مقطع گفتیم که تا آن لحظه از چارچوب برنامه «گرایش» یعنی ساختن حزب پیشتاز کارگری و هسته های مخفی آن حمایت می‌کنیم، زیرا در تهیه آن ها خود ما هم حضور و شرکت داشتیم. اختلاف بر سر تاکتیک های جدید و انحراف به راست شما بود که کار به اینجا کشید. توضیحات بیش تر در باره اختلافات برنامه ای ما با شما

را که شما شخصاً با اکثر آن‌ها آشنایی دارید، بعد در برنامه گرایش امان برای ارائه به پیشروی کارگری در ایران بیرون خواهیم داد که البته آن هم به موقع خود انجام خواهد گرفت.

### سوال سوم

شما در سند اول می‌فرمائید: «عمدتاً اختلافات تشکیلاتی که استراتژی بوروکراتیک استالینیستی را بر اهداف و اصول گرایش مارکسیست‌های انقلابی ایران غالب نموده از «گرایش» بیرون آمده ایم.»

در این جا این سوال برای ما پیش آمد که درک شما از استراتژی بوروکراتیک استالینیستی چیست؟ ما یکی از کتابهای از ارنست مندل که شما خودتان زحمت کشیدید آنرا تایپ کردید و در نشر کارگری سوسیالیستی انتشار داده اید، پیدا کردیم. منظور مندل از استالینسم از قرار زیر

«استالینسم در اتحاد جماهیر شوروی، بیان انحطاط بوروکراتیک اولین دولت کارگری است. کشوری که در آن اعمال قدرت سیاسی و اجتماعی توسط یک قشر ممتاز اجتماعی غصب گردیده است. اشکال خشن (از قبیل ارباب پلیس، تصفیه‌های توده‌ای دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، کشتار تقریباً تمام کادرهای قدیمی حزب کمونیست اتحاد شوروی؛ محاکمات مسکو و غیره) و نیز اشکال ملایم این قدرت بوروکراتیک است»

آیا این تعریف را شما قبول دارید؟ اگر بلی، آیا شما ادعا دارید که گرایش مارکسیست‌های انقلابی در درونش یک قشر ممتاز اجتماعی که قدرت سیاسی را غصب کرده است، می‌باشد که با ارباب پلیسی و تصفیه و محاکمات پشت پرده شما را ارباب کرده و یا مثلاً قصد اعدام شما رفقا را داشته است؟

اگر چنین است لطفا مثال های مشخصی در تایید این اعمال ارتجاعی از سوی گرایش بیاورید. در سند دوم تنها به یک سلسله مسایل بسیار پیش پا افتاده و جزئی اشاره کرده اید که هیچ کدام این گرایش را بوروکراتیک و استالینستی نمی کند. شاید چیزهای دیگری هست که شما آن ها را اعلام نکرده اید. لطفاً بیش تر توضیح دهید

سوالات دیگری هم داریم که پس از پاسخ شما به این سه سوال آن ها را مطرح خواهیم کرد. از پیش از شما سپاسگزاریم.

سئوال بیست و نهم کمیسیون: رفیق یاشار به نظر شما جا دارد که در اینجا به این سئوال پاسخ دهید؟

رفیق یاشار آذری: باید بگویم که به دلیل محفل بودن روابط «گرایش»، ما عادت کرده بودیم که اختلافات خود را جداگانه و به طور خصوصی با شما جناب رازی در لباس دانشفر مطرح بکنیم. به همین دلیل خود من یکی از آن هایی بودم که ابتدای ورودم به «گرایش» با برخی مسائل اختلاف نظر داشتم و آن ها را با خود شما همیشه در میان می گذاشتم و حتی از شما خواستم که آن ها را برای بیرون داندن فورموله کرده و به تحریر درآورده و انتشار دهید، زیرا در آن مقطع فکر می کردم که تقسیم کاری انجام شده و من مسئول عمده تأمین مخارج «گرایش» و «نشر کارگر سوسیالیستی» بودم. همان طوری که خود شما در آخرین جلسه به ما گفتید که «یاشار آذری گهگاهی یک چیزهایی زمزمه می کرد»! مثلاً یکی از مواردی که من با شما جناب رازی در میان گذاشتم در زمینه روند تکامل نظام سرمایه داری بود که وارد مرحله نوینی می شد و

عناصر تروریستی امپریالیزم از جمله «القاعده» در آن زمان نقش مخرب تازه ای را آغاز کرده بود و من پیش بینی می کردم که «القاعده» های دیگری هم توسط امپریالیزم و بانک جهانی ساخته خواهد شد و در ادامه آن سیاست های امپریالیستی هیچگونه «گشایشی» در ایران برای کارگران و زحمتکشان نه تنها ایجاد نخواهد کرد، بلکه هر چه دارند را هم از دست خواهند داد. نمونه دوم، حضور توده ای ها و اکثریتی ها - در به انحراف کشیدن سازمان هایی مانند راه کارگر و حزب کمونیست کارگری است و اکنون هم مشغول تخریب حزب کمونیست ایران هستند- می باشد که با شناسایی اعضای این سازمان ها و تهدید آن ها بالاخره این تشکلات را تخریب کرده و می کنند.

چگونگی تخریب گرایش شما جناب رازی را جلوتر در کتاب (دلایل شکل گیری کمیسیون مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری) برای پیشروی کارگر روشن کرده ایم. اما در چند کلمه یادآور می شوم که آوردن اکثریتی ها و استالینیست ها به درون «گرایش» بدون هیچگونه کار نظری و بدون اینکه این افراد امتحان خود را در برش از راه و روش استالینیستی به اثبات رسانده باشد و تنها به علت اینکه عضو جدید به «گرایش» می آوردند، کار غیراصولی از جانب رهبری «گرایش» یعنی شخص شما بوده است. آن ها آسیب های جبران ناپذیری را به اصول و اهداف «گرایش» در عمل زده اند که تنها آینده این گرایش می تواند ادعای ما را به اثبات برساند. بزرگ ترین مدرک همان گفتار و کردار آن ها است نسبت به مخالفان خودی و رفقای که تمام وقت و توانشان و داروندارشان را به پای «گرایش» گذاشته بودند، می باشد. به قول تروتسکی «بزار پست برانزنده اهداف پست است!»



در باره موضع مندل نسبت به بوروکراسی استالینیستی، جناب رازی باید بگویم که ظاهراً با جمع کردن عده ای اکثریتی و استالینیست به دور خود، بالاخره ماهیت حقیقی اتان را مجبور شدید بروز بدهید و از فاکت های نیمه کاره نتیجه بگیرید و برداشت های استالینیستی ارائه می دهید.

شما دارید رهبری یک گروه چند نفره را با رهبری حزبی که از درون یک انقلاب سر برآورده و در رأس قدرت قرار گرفته مقایسه می کنید. استالین تا زمانی که لنین زنده بود هنوز هیچ قدرت حزبی یا رهبری نداشت و با وجود رفتاری زننده و اخلاق تند خرده بورژوازی، هرگز نتوانست به کسی صدمه بزند و یا کسی را به قتل برساند یا اعدام کند. اما آن زمان که به رهبری حزب کمونیست شوروی رسید، تمام ماهیت طبقاتی خود را بروز داد. در نتیجه شما با طرز مطرح کردن سؤال تان، در واقع خوانندگان بی تجربه را تحت تأثیر قرار می دهید، ولی ما سال ها است که با شما از نزدیک کار کرده ایم و با روحیه و طرز برخورد شما حتی در بحث های نوشتاری آشنایی کامل داریم.

**سؤال سی و سوم کمیسیون:** مثل این که شما در این جا حرفی دارید بزنید. درست است؟

رفیق یاشار آنری: بله می خواستم بگویم در این باره تروتسکی جمله ای دارد که کاملاً شخصیت افراد مانند م. رازی افشا می کند: «تظاهر به بی اعتنائی فقط به درد کسی می خورد که می خواهد مکارانه نتیجه گیری هایی به خوانندگان خود تلقین کند که آن نتیجه گیری ها از واقعیات منتج نمی شوند. ما ترجیح می دهیم که هر چیز را بی کم و کاست به اسم درستش بخوانیم.»



## Sirus Daneshfar

ما هم در ایران با بخشی از رفقا بحث های در مورد این موضوع داشتیم و برای پیدا کردن راه حل به نظرات ذیل رسیدیم. باید خدمت رفقا عرض کنیم که ما در ایران سخت درگیر فعالیت های روزانه هستیم و امروز بیش از پیش گرایش مارکسیست های انقلابی معتبر شده اند و در محل های کارمان و دانشگاه ها شاهد این وضعیت هستیم. در مورد برنامه های تلویزیونی میان کارگران و دانشجویان بحث می شود. از اینرو از همه رفقا در خارج درخواست می کنیم که فوراً به مسایل خصوصی و شخصی و مسایل گذشته شان پایان دهند. کامنت های بالا بین بعضی از رفقا نه ربطی به ما دارد و نه ما می فهمیم موضوع چیست و نه می خواهیم درگیر آن شویم. همانطور که رفیق چنگیز به درستی نوشت، هر چه هست باید بین رفقا به شکل درونی حل گردد و در بیرون به این شکل نادرست که تنها مورد استفاده دشمنان ما و به خصوص وزارت اطلاعات قرار می گیرد، انجام نگیرد.

درخواست ما از قرار زیر است

الف- در «اطلاعیه انشعاب» (سند اول) به جای کلمه «انشعاب» از واژه دیگری مانند «کناره گیری» باید استفاده شود. چون انشعابی صورت نگرفته است. استفاده از انشعاب چنین تداعی می کند که این رفقا عضو گرایش بوده اند و تصمیم به انشعاب گرفته اند. در صورتی که بنا بر سند دوم (اعلام موجودیت)، رفیق یاشار آذری بیش از ۹ ماه است که از گرایش کناره گیری کرده است (به هر علت موجه یا غیر موجه). سایر رفقا هم چند ماه است که خودشان یک به یک با دلایل مختلف تشکیلاتی از گرایش خارج شده اند.

ادعای اینکه این رفقا «اخراج» شده اند کذب است. ادعای اینکه «انشعاب» شده است کذب است.

این مورد باید در اطلاعیه اصلاح شود و به اطلاع عموم برسد. ب- در «اطلاعیه انشعاب» نوشته ای شده است که «به علت پاره ای اختلافات برنامه ای» این رفقا از گرایش کناره گیری کرده اند. در واقع هیچ اختلاف سیاسی وجود نداشته است و هیچ سندی در این مورد وجود ندارد. این ادعا کذب است.

این مورد نیز باید در اطلاعیه اصلاح شود و به اطلاع عموم برسد ج- در اطلاعیه انشعاب نوشته «عمدتاً اختلافات تشکیلاتی که استراتژی بوروکراتیک استالینستی را بر اهداف و اصول گرایش مارکسیست های انقلابی ایران غالب نموده از «گرایش» بیرون آمده ایم.» استالینسیم یعنی یک نظام سرکوب گر و ارتجاعی. گرایش مارکسیست های انقلابی یک جریان استالینستی نیست. رفقا می توانند ادعا کنند «رگه هایی از بوروکراسی میان برخی از اعضا در حال رشد است». می توانند ادعا کنند «یک یا چند نفر برخوردهای از بالا با آن ها کرده اند» می توانند ادعا کنند «آنها مسخره شده اند» اما بهیچوجه درست نیست که گفته شود گرایش مارکسیست های انقلابی استالینستی یعنی ارتجاعی است.

اگر این موارد وجود داشته است وظیفه این رفقا بود که در درون گرایش باقی می ماند و گرایش را از درون اصلاح می کردند. این کار را رفیق یاشار آذری و سایر رفقا انجام ندادند و آسانترین راه را یعنی کناره گیری یا انصراف را بدون استفاده از حق دمکراتیک خود پیشه گرفتند اینکه به رفقا اجازه صحبت داده نشد ربطی به گرایش نداشته است. این موضوع مورد مشاجره مربوط به

جلسه احیای مارکسیستی است که رفقا گرایش تنها بخشی از آن هستند این واژه یعنی «استالنیسم» باید اصلاح شود و به اطلاع عموم برسد  
د- از رفقا شورای دبیری گرایش در خواست می شود هر چه زودتر اطلاعیه در توضیح این کناره گیری انتشار دهند تا رفقا در ایران مطلع شوند جریان چه بوده است

و- از رفقا شورای دبیری گرایش درخواست می شود جلسه ای با حضور رفقا کنار رفته گذاشته و مسایل تشکیلاتی درونی را هر چه زودتر حل کنند. حتی اگر قرار است فاصله بین رفقا ایجاد شود باید به سبک دمکراتیک و رفیقانه صورت گیرد تا در آینده همه راهها برای همکاری بسته نشود  
با تشکر از همه

Gefällt mir · Bearbeitet · Gestern um ۱۷:۵۳

سؤال سی و چهارم کمیسیون: رفیق سارا شما در این جا صحبتی داشتید؟

رفیق سارا قاضی: بله فقط یک نکته داشتم، زیرا به تمامی این مطالب جلوتر جواب داده شده است. در این جا می خواستم اضافه کنم که آقای سیروس دانشفر هرگز عضو «گرایش» در زمانی که ما در آن گروه بودیم، نبوده و در نتیجه فاقد صلاحیت دادن این دستورات می باشد، مگر این که این شخص همان مازیار رازی باشد که البته از سبک نگارش او می توان مطمئن شد که خود مازیار رازی است. این اطمینان هم در نتیجه تجربیات ۲۵ ساله با نوشته های مازیار رازی کسب شده است و در این جا قصد برخورد شخصی با او از روی لجاج و لجبازی نیست.



### [پاشار آذری](#)

«تنوری تروتسکی در مورد انحطاط دولت کارگری روسیه، یک جامعه ی در حال گذار از کاپیتالیزم به سوسیالیزم، ششمین مرحله ی تکامل درک پدیده ی بوروکراتیک را تشکیل می دهد. کمک عمده ی تروتسکی، تحول تنوری بوروکراتیزه گشتن سازمان های کارگری به تنوری جامع بوروکراسی در دولت کارگری بود. تروتسکی در حین شناخت اهمیت عوامل عینی در این پروسه ی بوروکراتیزه شدن، هم چنین اذعان نمود که انحطاط بهیچوجه احترازناپذیر نبود. حزب بلشویک می بایست و می توانست از طریق تلاش آگاهانه با آن مبارزه نماید. تراژدی بزرگ انکشاف اتحاد شوروی فقدان هرگونه فهم پدیده ی بوروکراسی توسط اکثریت حزب بلشویک در لحظات تعیین کننده ی تاریخش بود. اگر در سال های ۲۳ - ۱۹۲۲، زمانی که اقدامات بازدارنده هنوز ممکن می بود، فهم ملموس مسأله حاصل می گشت، تاریخ اتحاد شوروی می توانست مسیری کاملاً متفاوت در پیش گیرد.» ارنست مندل کتاب درباره بوروکراسی

[Gefällt mir](#) · [۱۹ Std.](#)



### [Aram Nobakht](#)

رفیق [Sirus Daneshfar](#) در پاسخ به درخواست شما در مورد اطلاعیه ای از سوی شورای دبیری برای روشن کردن وضعیت کناره گیری چند نفر از

گرایش باید اعلام بکنم که شورای دبیری بنا بر درخواست شما این اطلاعیه را در شماره بعدی نشریه کارگر میلیتانت انتشار خواهد داد و متعاقباً روی سایت میلیتانت قرار می گیرد.

در مورد درخواست دوم شما مبنی بر دعوت این رفقای سابق به بحث درونی باید ذکر کنم در ۲۰ نوامبر ۲۰۱۴ ما چنین درخواستی از این افراد کردم که برای حل مسائل با هم به بحث درونی بنشینیم. آن ها این دعوت ما را رد کردند و اعلام کردند که پس از بحث کتبی علنی اگر لازم شده مناظره شفاهی علنی با ما خواهند گذاشت. یعنی مسائل را می خواهند به سطح علنی بکشند و حاضر نیستند درونی این مساله را حل کنند. رجوع شود به نامه ما به آن ها در زیر و بخشی از پاسخ آن ها در رد پیشنهاد ما

\* \* \*

خطاب به نویسندگان اطلاعیه «انشعاب از گرایش مارکسیست های انقلابی» در بخشی از اطلاعیه شما آمده است: «در راستای ادامه مبارزاتمان و در بحث هایی که در آینده باز خواهیم کرد، نشان خواهیم داد که درون رهبری «گرایش» یک خط انحرافی آلوده به بوروکراسی استالینیستی به سرعت در حال رشد است.» ما نه تنها از قبل در جریان آن اعتراضات شما قرار نگرفته بودیم، بلکه اکنون که «انشعاب» هم کردید نیز دقیقاً نمیدانیم آن خط انحرافی در درون رهبری چیست و افراد خاطی چه کسانی هستند. همه اطلاعات ما در این مورد فقط همان مطلبی است که شما به اشتباه به جای انعکاس در گرایش، در صفحه احیای مارکسیستی منعکس کردید. اکنون این معضل به سادگی قابل حل است. شما نام یک یا هر چند فرد درون «شورای رهبری» که آلوده به انحراف بوروکراسی استالینیستی شده اند را ذکر کنید و بعد جلسه ای با حضور

شما و رفقای درون گرایش تشکیل می دهیم، (این جلسه در صورت نا تمام ماندن موضوع می تواند تمدید شود). علیرضا بیانی که نامش در آن متن منتشره به کرات تکرار شده اعلام می کند که اگر نتوانست در این جلسه؛ کذب، وارونه سازی، تخریب شخصیت انقلابی و دروغ بودن یک به یک موضوعاتی که در آنجا و اکنون در صفحه فیسبوکی یاشار آذری مطرح شده را ثابت کند، در پایان جلسه اعلام خروج از گرایش و کلا پایان دادن به فعالیت سیاسی خود کرده و شما به جای او به درون گرایش برگشته و رهبری آن را در دست خود بگیرید. اما برعکس، اگر ایشان توانست ادعاهای خود را ثابت کند، تنها کاری که لازم است شما انجام دهید این است که اطلاعیه عذر خواهی منتشر کرده و بر این روند شانتاژ به وجود آمده نقطه پایانی بگذارید و سپس به هر نوع فعالیت سیاسی در هر قالب و پوششی و با هر کس که خود مایل هستید ادامه دهید و مانع مبارزه گرایش نشوید. اگر هیچ یک از این پیشنهادات را هم نمی پذیرید، در اینصورت بر اساس تجربه و شناخت خودتان از پشبرد حل اختلاف سیاسی، همچنان به کارهایی که مایل هستید ادامه دهید و ما نیز واکنش به آن را در همان سطحی که شما دخالت کرده اید انجام خواهیم داد. اما به شما اخطار می دهیم که چنانچه با اشاعه اکاذیب و علنی کردن مسایل درونی ما که منجر به مشکلات امنیتی برای رفقا ما در ایران شود، شما را به عنوان خائنین به گرایش و جنبش کارگری معرفی خواهیم کرد و تمام ارتباطات سیاسی با شما را برای همیشه قطع خواهیم کرد.

شورای دبیری گرایش مارکسیست های انقلابی

بیست نوامبر ۲۰۱۴

\* \* \*

پاسخ «کمسیون» به شورای دبیری گرایش مارکسیست های انقلابی به دعوت به بحث درونی برای حل مسایل «ما بحث و صحبتی در این مقطع با شما نداریم، حتی با علیرضا، مگر در یک مناظره علنی... پس از پایان مطرح شدن همه بحث های ما رو به جنبش، اگر شما مایل بودید می توانید مناظره علنی با ما بگذارید».

کمسیون مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری  
بیست و یک نوامبر ۲۰۱۴

[۱۸ Std.](#) · [Gefällt mir](#) · [۲](#)

سنوآل سی و ششم کمسیون: رفقا، از بین شما کسی می خواهد که علت شرکت نکردن در این دعوت را توضیح دهد؟

رفیق سارا قاضی: من نکته ای برای جواب دارم. این کامنت به منظور مخدوش کردن حقایق آورده شده است. ما در تاریخ ۹ نوامبر ۲۰۱۴ جلسه ای با اعضای «گرایش» داشتیم که در آن تنها مازیار رازی و مراد شیرین شرکت کردند و در باره این جلسه هم ما مفصلاً در بالا با اسناد ضبط شده، صحبت کردیم. این که کس دیگری از «گرایش» شرکت نکرده بود، به ما ربطی ندارد. خود مازیار در این جلسه حتی تأکید کرد که بقیه اعضای «گرایش» به هیچ عنوان حاضر به روبرو شدن با ما نبودند. حتی رفیقی از «احیا» که با من تماس گرفت که برای جلسه دعوتش کنم، مازیار گفت خودش به او پیام می دهد و به نسیم گفت که این جلسه خصوصی است و به او اجازه شرکت در جلسه را نداد. نکته مهم در این جلسه این بود که مازیار رازی باز هم مانند قبل حاضر به شنیدن



انتقادات ما نبود و همان طور که در مطالب مربوط به این جلسه قبلاً آوردیم، او گفت که نمی خواهد راجع به این مسائل (یعنی انتقادات ما) وارد بحث بشود و مشخص کرد که به این جلسه تنها برای دادن سه پیشنهاد آمده بود که ما اگر همه آن ها یا یکی از آن ها را می پذیرفتیم، می توانستیم به شکل محفلی سابق با او کار کنیم. پس، این ما نبودیم که نمی خواستیم در بحث شرکت کنیم. وقتی که ما به این نتیجه رسیدیم که امکان بحث با «گرایش» وجود ندارد و از «گرایش» و «احیاء» کاملاً قطع امید کردیم، بود که در روز ۱۲ نوامبر اطلاعیه انشعاب را بیرون دادیم. همین طوری که در این پُست مشاهده می کنید، تاریخ این اطلاعیه به کمسیون روز ۲۰ نوامبر، یعنی هشت روز بعد انشعاب گذاشته شده و این خود ثابت می کند که این جریان برای ارعاب و تهدید ما چگونه به عنوان مختلف دروغ گفته و حقایق را وارونه نشان می دهد و در این راه از دروغ گفتن ابایی ندارد.



### [Sirus Daneshfar](#)

ممنون از شما [Aram Nobakht](#) رفیق آرام نوبخت. همه رفقا بخش ما در ایران، بی صبرانه در انتظار کارگر میلیتانت شماره ۷۷ هستیم که هم محتوای آنرا بخوانیم و بدست کارگران جوان برسانیم و هم از نظرات شورای دبیری در مقابل این «انشعاب» که دیگر کم کم معلوم شده است یک توطئه توسط رفقا سالمند و «از کار افتاده»، در مقابل پیشروی گرایش مارکسیست های انقلابی، بوده است.

اینکه این رفقا سالمند از شرکت در بحث درونی دمکراتیک با شما رفقا امتناع کرده اند و خواهان علنی کردن بحث های درونی شده اند به ما نشان می دهد که این افراد محققا قصد تخریب گرایش ما را دارند. علت بی توجهی و بی اعتنایی و امتناع از پاسخ گویی به سوالات ما هم، اکنون روشنتر شده است. ظاهرا این رفقا سابق (که در گذشته مسلما کارهای مثبتی هم انجام داده اند) از ما جوانان در ایران انزجار پیدا کرده اند. ظاهرا جای را در گرایش برای خود تنگ دیده اند و با علم کردن رفیق علیرضا بیانی خواهان حمله به تمام گرایش به خصوص جوانان در ایران هستند. رفیق چنگیز (که او را از نزدیک نمی شناسیم)، ظاهرا او هم تجربه نزدیک با کار ما در ایران دارد، به درستی اشاره می کند که در واقع پیش بینی رفیق مازیار رازی به این رفقا سابق سالهای پیش که با آمدن رفقا فعال جوان به گرایش، در صورت عدم کار سیاسی پیگیر و جدی، به کناری پرتاب می شوند، کاملا درست بوده است. سکوت رفیق یاشار آذری و سعید صادقی و عدم دخالتگری ۲ رفیق سابق دیگر در این بحث ها به ما خوب نشان می دهد که این رفقا «صداقت» ندارند. بی صداقتی زیر لوای دفاع از «صداقت». روش بوروکراتیک و قیم مآبانه از بالا زیر لوای «دفاع از دمکراسی علیه بوروکراسی». واقعا عجیب است. چه بهتر این رفقا به راه خود ادامه دهند.

ما بخشی از رفقا در ایران از خدمتان سالهای پیش این رفقا سابق سپاسگزاریم. اما در عین حال خیلی خوشحال هستیم که این رفقا به راهشان جدا از ما ادامه می دهند. برایشان آرزوی موفقیت می کنیم. اما در ضمن هشدار می دهیم که دست از تخریب فراتر بردارند و آلت دست دشمنان ما و وزارت اطلاعات قرار نگیرند.

[۲ · Gefällt mir · ۱۱ Std.](#)



[پاشار آذری](#)

نمی دانم رهبران گرایش چرا پشت آیدی های دیگران قایم می شوند و حرف هایشان را تکرار می کنند. البته می دانم اگر محکوم شدند به اسم رهبری تمام نشود. شماها هنوز یاد نگرفته اید که به دیگران امر و نهی نکنید و دستور ندهید که ما چه کاری باید بکنیم و چه کار نباید بکنیم. ما فهم شعورمان به اندازه کافی هست، تمام این کارها در حضور رفیق مازیار رازی صورت گرفته و او هم با سکوت اش مهر تأیید به این کارها زده. شما با تمام این کارهایتان می خواهید حتی بیرون از گرایش با ترفندهایی که این جا اجرا می کنید. از نوشتن واقعیت ها، ما خودداری کنیم. واقعا که.

[Gefällt mir · ۱۱ Std.](#)



[پاشار آذری](#)

ما هم به شما و هم طبقه ی کارگر ثابت می کنیم که این هم یک انشعاب است و هم چرا در گرایش یک خط بوروکراسی به سرعت در حال رشد است و گرایش فرق اش با افراد درون آن چیست و یا ما چرا خودمان را بخشی از گرایش می دانیم و.... برای گرفتن جواب باید صبر کنید. دستپاچه نشوید. همه این ها جزوی از مبارزه ی طبقاتی است.

[Gefällt mir](#) · [۱۱ Std.](#)



یاشار آذری

رفیق دانشفر و یا بهتر بگویم رفیق رازی ما سوالات شما را حتما جواب خواهیم داد. این آیدی را هم که ۱۶ سپتامبر باز کرده‌ای به شما تبریک می‌گویم و از این که سعی می‌کنی از این طریق تبلیغی هم برای گرایش و تلویزیون تان بکنی. درک ات می‌کنم.

[Gefällt mir](#) · [۱۱ Std.](#)

سؤال سی و نهم کمیسیون: رفیق یاشار شما از کجا متوجه شدید که سیروس دانشفر همان مازیار رازی است؟

رفیق یاشار آذری: اولاً این که از فرهنگ لغاتی که استفاده کرده که دقیقاً سبک حرف زدن و نوشتن مازیار رازی است. مانند «سالمند» و «از کار افتاده» و این سبک از بیان تنها در این جا نسبت به ما ادا نشده، بلکه در گذشته از این کلمات و شبیه اینها در انتقاد از مخالف خود استفاده می‌کرد. از جمله «کارگر بازنشسته» بود که در نوشته هایش دیده می‌شود.

همان طوری که قبلاً هم اشاره کردم، در این پُست مازیار رازی پشت آی دی سیروس دانشفر و آرام نوبخت پشت آی دی چنگیز کامبخش و کیهان پنهان شده‌اند. دقیق‌تر بگویم پُست کیهان تماماً حرف‌های آرام نوبخت، ولی در

پُست‌های چنگیز کامبخش ما جایی که خود چنگیز نظر داده است را می‌توانیم از تهمت‌ها و لحن غیراصولی آرام نوبخت تمیز بدهیم.

برای مثال به این جمله سیروس دانشفر توجه کنید: «اینکه این رفقا سالمند از شرکت در بحث درونی دمکراتیک با شما رفقا امتناع کرده‌اند و خواهان علنی کردن بحث‌های درونی شده‌اند به ما نشان می‌دهد که این افراد محققا قصد تخریب گرایش ما را دارند». کسانی به ادبیات نوشتاری مازیار رازی آشنایی دارند، به راحتی تشخیص می‌دهد که این طرز بیان او است و یا «بی‌صدافتی زیر لوای دفاع از «صدافت»» جمله‌ای است که در آخرین نشست ما با او به این شکل به خود من گفت: «...آمدی زیر لوای بحث سیاسی بوروکراسی این مسائل را مطرح کردی». شما ملاحظه کنید که تا چه اندازه این سبک بیان به هم شباهت دارد. از این جهت است که برای ما تشخیص اینکه پشت این آیدی‌های فیسبوکی چه کسانی قرار دارند، کار بسیار ساده است. در ثانی سیروس دانشفر وقتی ما انشعاب می‌کردیم، نه جزو اعضای «گرایش» بود و نه «احیاء»، باید دید که این اندازه اطلاعات درونی را او از کجا به دست آورده که این طور از موضع بالا صحبت می‌کند؛ گویی او سال‌ها دست راست مازیار رازی بوده و از تمام زیر و بم‌های گروه با اطلاع می‌باشد! این خود نشانه تزویر و ریاکاری مازیار رازی را نشان می‌دهد.



### [Sirus Daneshfar](#)

رفیق آرام نشریه کارگر میلیتانت شماره ۷۷ در ۱۵۲ صفحه را همین الان روی سایت دیدم. داریم دانلود می‌کنیم فردا مطالبی از آن‌ها را در محلات کار

رفقا پخش خواهیم کرد. تشکر از اطلاعیه شورای دبیری در مورد این «انشعاب» کاذب. منم مانند شما بسیار خوشحالم که این نیروی مخرب بازدارنده کارهای تشکیلاتی بیرون رفت. با آرزوی سلامت فکری و جسمانی برای همه این رفقای سابق. به درود!

[۱ · Gefällt mir](#) · [۳ Std.](#)

سئوال چهلم کمیسیون: رفیق یاشار در این باره چیزی می خواستید بگویید؟

رفیق یاشار آذری: واقعاً جای تأسف است که کسی که خود را رهبری گرایش مارکسیست های انقلابی می داند، یعنی جناب مازیار رازی، با آیدی سیروس دانشور مجبور به پناه بردن به این اندازه غلو بشود.



[یاشار آذری](#)

تمام حقایق بزرگ در ابتدا توهین به مقدسات تلقی می شوند و سپس به مسخره گرفته می شوند و در نهایت به عنوان امری بدیهی پذیرفته می شوند.

[Gefällt mir](#) · [۵۳ Min](#)



[یاشار آذری](#)

رفیق رازی یا بهتر بگویم رفیق دانشفر شما تمام پل های پشت سرتان را دارید خراب می کنید. من دارم به این نتیجه می رسم که من از همین امروز باید به فکر ساختن اپوزیسیون چپ گرایش مارکسیست های انقلابی باشم خودت هم

داخل گود این ها شده ای. و گرایش را با سرعت رو به انحطاط سوق می دهی. از شما انتظار نداشتم. آرام که درسته از تخصص های خوبی برخوردار است ولی تمام کارهایش از روی جوانی و بی تجربهگی اش است. از او انتظار ندارم. علیرضاهم وضع اش معلوم است. ولی تو هم آب روی دست آن ها ریختی. متأسفم هم برای شما و هم برای خودم که بعد از ۱۴ سال شما را تازه شناختم.

[Gefällt mir](#) · [۲۳ Min](#)

